

## The Independence of the Legal Profession with a Look at US-Iranian Law and International Documents

Sadegh Salimi<sup>1</sup>

### Abstract

**Field and Aims:** If the rule of law is to prevail in society, not extra-legal considerations, the legal profession must be independent, namely judges and lawyers must not be under any external pressure and except for the law any limitations to perform their duties. Therefore, in this article, we study the status of the independence of the legal profession in Iranian and American domestic law, and international documents.

**Method:** This article is written using a descriptive-analytical method.

**Findings and Conclusions:** Institutional independence is intended to ensure the personal independence of judges and lawyers. Financial independence and operational immunity are important foundations of judicial and legal independence. The salary of Iranian judges is less than one tenth of the United States judges. Regarding disciplinary prosecution of lawyers in Iran, all judges and administrative officials of the judiciary, including those with jurisdiction to prosecute judges and lawyers, are appointed and dismissed by order of the head of the judiciary, which undermines judicial independence. In the last two decades, lawyers in Iran have been divided into two groups: one group is completely inside the judiciary and from issuing licenses to supervising their performance and possibly revoking their licenses is under sole discretion of the judiciary, and the other group is under the banner of bar associations. They are, however, under the supervision and influence of the judiciary in various ways. In this descriptive-analytical study, after analyzing the concept and effects of the independence of attorney and judge and their interaction and comparing it with the International Criminal Court, we have come to the conclusion that the independence of the lawyers is fruitless and impossible without judicial independence.

**Keywords:** Judicial Independence, Independence of lawyers, Rule of Law, Legal Profession, International Criminal Court.

\*Citation (APA): Salimi, S. (2024). The independence of the legal profession judge with a look at US-Iranian law and international documents. *International Legal Research*, 17(64), 113-136.

1. Associate Professor, Department of Public International Law, School of Law, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. Email: sadegsalimi@yahoo.com

## استقلال حرفه حقوقی با نگاهی بر حقوق ایران، آمریکا و اسناد بین‌المللی

صادق سلیمی<sup>۱</sup>

### چکیده

**زمینه و هدف:** اگر بنا باشد در جامعه قانون حاکم شود، نه ملاحظات فراقانونی، باید شاغلین به حرفه حقوقی استقلال داشته باشند؛ یعنی قضات و وکلادر ایفای وظایف خود بجز قانون تحت تاثیر هیچ فشار خارجی نباشند. لذا در این مقاله جایگاه استقلال حرفه حقوقی را در حقوق ایران، آمریکا و اسناد بین‌المللی مورد مطالعه قرار می‌دهیم.

**روش:** این مقاله به شیوه توصیفی-تحلیلی نگارش یافته است.

**یافته‌ها و نتایج:** استقلال نهادی به منظور تضمین استقلال شخصی قاضی و وکیل است و استقلال مالی و امنیت شغلی پایه‌های مهم استقلال قضایی و وکالتی هستند. حقوق قضات ایران در مقایسه با آمریکا کمتر از یک دهه است؛ از جهت تعقیب انتظامی، در ایران تمامی قضات و مقامات اداری قوه از جمله مقاماتی که صلاحیت تعقیب انتظامی یا کیفری قاضی را دارند، با حکم رئیس قوه قضائیه نصب و عزل می‌شوند که این امر استقلال قضایی را مخدوش می‌کند. وکلای دادگستری نیز در دو دهه اخیر در ایران بر دو دسته شده‌اند: گروهی کاملاً داخل تشکیلات قوه قضائیه هستند و از صدور پروانه تا نظارت بر عملکرد و احیاناً ابطال پروانه آنان با قوه قضائیه است و گروه دیگر تحت لوای کانون‌های وکلای دادگستری که این دسته نیز به انحای مختلف تحت نظارت و نفوذ قوه قضائیه هستند. در این پژوهش توصیفی-تحلیلی، پس از تحلیل مفهوم و آثار استقلال و کالت و قضاوت و اثر متقابل آنها و مقایسه با دیوان بین‌المللی کیفری، به این نتیجه رسیده‌ایم که استقلال و کالت بدون استقلال قضایی امری بی‌ثمر و غیرممکن است.

**کلیدواژه‌ها:** استقلال قضایی، استقلال و کالت، حاکمیت قانون، حرفه حقوقی، دیوان بین‌المللی کیفری.

\* استناددهی (APA): سلیمی، صادق. (۱۴۰۳). استقلال حرفه حقوقی با نگاهی بر حقوق ایران، آمریکا و اسناد بین‌المللی. تحقیقات حقوقی بین‌المللی، ۱۷(۶۴)، ۱۱۳-۱۳۶.

۱. دانشیار گروه حقوق بین‌الملل عمومی دانشکده حقوق، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.  
sadeqsalimi@yahoo.com رایانامه:

## مقدمه

قاضی و وکیل دو بال فرشته عدالت نامیده می‌شوند. رسالت و شغل این دو، اجرای عادلانه قوانین است. از این رو، یکی از آثار مهم حاکمیت قانون، وجود قاضی و وکیل مستقل و قانون‌مدار است. هر جا که از قانون تخطی شود، وکیل به وکالت از شخص زیان‌دیده یا بزه‌دیده طرح دعوی یا شکایت می‌کند و قاضی مستقل قانون‌مدار به احقاق حق می‌پردازد. اگر قاضی و وکیل استقلال نداشته باشند، تحت فشار و نفوذ ارباب زر و زور، یعنی همان افراد قدرتمند و ثروتمند قرار گرفته و قادر به اجرای قانون نخواهند بود. یکی از ویژگی‌های حاکمیت قانون که برای صاحبان قدرت ناخوشایند است، استقلال مجریان قانون - قضات و وکلا - است. این ناخوشایندی اغلب در مورد سیاستمداران، افراد ثروتمند و قدرتمند، مقامات دولتی و حتی اصحاب رسانه صادق است. کسانی که عادت دارند از آنها اطاعت شود و از آنها ترسیده شود، این که منبع قدرتی وجود دارد که نمی‌توانند آن را کنترل یا خریداری کنند - قانون و دادگاه - به شدت آزاردهنده می‌دانند. با این حال، جوهر دموکراسی مدرن، رعایت حاکمیت قانون است. حاکمیت قانون بدون تدارک و تضمین میزان بسیار بالایی از استقلال فکر و عمل به بازیگران اصلی قانون - قضات و وکلا و همچنین، حقوقدانان دانشگاهی - پیروز نخواهد شد.

مردم حق اساسی دارند از مشاوره حقوقی و کیلی که صرفاً در قبال موکل پاسخگو هست، نه شخص دیگر و نه دولت، برخوردار شوند. مردم همچنین، حق دارند اطلاعات محرمانه را در اختیار وکیل قرار دهند و بدانند که نمی‌توان آن را بدون رضایت موکل با دیگران از جمله دولت یا پلیس به اشتراک گذاشت. این حق اساسی، امتیاز موکل - وکیل نامیده می‌شود.<sup>۱</sup>

وکیل دادگستری از یک سو، وظیفه دارد به نفع موکل خود عمل کند؛ چون وکیل نماینده موکل است و اگر به نفع او عمل نکند، علاوه بر اینکه خیانت تلقی می‌شود، از نظر شغلی و حرفه‌ای نیز کسی به او مراجعه نمی‌کند و لاجرم بیکار خواهد بود. ولی از سوی دیگر، با توجه به اعتقادات شخصی و حرفه‌ای، هنجارهایی که بدان پایبند است و سوگند و کالتی که یاد نموده و همچنین، مقررات حرفه‌ای باید از گمراه‌نمودن نظام عدالت خودداری کند و در چهارچوب قوانین و مقررات و اخلاق حرفه‌ای از موکل خود دفاع کند. وکیل نمی‌تواند با علم بر جعلی بودن سندی، آن را ارائه دهد یا موکل را به ساختن و استفاده از چنین اسنادی ترغیب کند یا موجبات شهادت دروغ را فراهم آورد.

وکالت دادگستری و قضاوت هر دو شغل هستند و امرار معاش شخص وکیل و قاضی و خانواده آنها از همین طریق تامین می‌شود. به همین جهت، وقتی صحبت از «حرفه حقوقی» می‌کنیم، مشاغل وکالت و قضاوت را شامل می‌شود. استقلال هر یک از این دو، اثر

1. <https://www.lawsociety.bc.ca/our-initiatives/rule-of-law/lawyer-independence-and-self-regulation-of-law/>



غیرقابل انکاری بر دیگری دارد. وکیل درآمد خود را از موکل خود اخذ می‌کند و قاضی از حاکمیت حقوق می‌گیرد. حال، با این وابستگی مالی، قاضی چگونه می‌تواند علیه حاکمیت رای دهد و وکیل در موارد تعارض منافع موکل و قوانین جاری یا عدالت چگونه می‌تواند عمل کند؟ در یک جامعه، استقلال یا عدم استقلال هریک از این دو قشر چه تاثیری بر استقلال قشر دیگر می‌گذارد؟ در این نوشتار، درصدد هستیم پس از بررسی جنبه‌های مختلف استقلال هر یک از قاضی و وکیل، به تاثیر متقابل این دو بر هم بپردازیم.

## ۱. مفهوم و آثار استقلال

برای حاکمیت قانون و از بین رفتن تبعیض و نابرابری نیاز به قاضی مستقل و وکیل مستقل وجود دارد. استقلال این هر دو قشر مجری قانون باید هم از نظر شخصی و هم از جهت نهادی تامین شود. اگر قرار است قانون برای همه مردم به طور یکسان اجرا شود، مردم باید اطمینان داشته باشند که قوه قضائیه قانون را بی‌طرفانه علیه دولت اعمال می‌کند و از اتخاذ تصمیم‌های غیرمردمی علیه منافع قدرتمندان هراسی ندارد. اگر قرار است مردم ایمان داشته باشند که تصمیمات قانونی بر اساس شایستگی‌های حقوقی و واقعی آنها است تا منافع سیاسی یا غوغاهای رسانه‌ای یا اعمال نفوذهای شخصی، استقلال قضایی ضروری است.<sup>۱</sup> اگر همه مردم بدون استثنا از حمایت یکسان بر اساس قانون برخوردار باشند، وکلا باید بتوانند بدون ترس از موکلان نامحبوب برای حاکمیت یا عموم مردم و کالت کنند و از افراد نامحبوب دفاع کنند تا از حقوق قانونی تمامی افراد حمایت کنند. بنابراین، برای اطمینان از برتری قانون بر اعمال خودسرانه قدرت، یک حرفه حقوقی قوی و مستقل ضروری است.

به این ترتیب، یک حرفه مستقل حقوقی حافظ اساسی حقوق بشری و سایر حقوق است. با حصول اطمینان از اینکه هیچ شخصی خارج از دسترس قانون نیست، حرفه وکالت می‌تواند به عنوان کنترلی بر اعمال خودسرانه یا بیش از حد قدرت توسط دولت و عوامل آن یا سایر احزاب قدرتمند عمل کند. با استناد به وکالت و قضاوت بر اساس حاکمیت قانون، برخلاف قضاوت و کالت تحت نفوذ ثروت یا قدرت یا افکار عمومی گذرا، هم وکلا و هم قضات ابزار ضروری برای حمایت از حقوق اقلیت‌ها و افراد هستند.

هیچ مدل ایده‌آل واحدی وجود ندارد که به طور کامل استقلال حرفه حقوقی را در برگیرد. ممکن است ترتیبات مختلفی در کشورهای مختلف و حوزه‌های مختلف اجرای قانون اتخاذ شود. در حالی که در بین کشورها بر سر روش‌های دقیق مورد استفاده در اجرا تنوع وجود دارد، مهم

1. Kirby, Michael, INDEPENDENCE OF THE LEGAL PROFESSION: GLOBAL AND REGIONAL CHALLENGES, LAW COUNCIL OF AUSTRALIA, PRESIDENTS OF LAW ASSOCIATIONS IN ASIA CONFERENCE, GOLD COAST CONVENTION & EXHIBITION CENTRE, BROADBEACH, QUEENSLAND, AUSTRALIA, SUNDAY, 20 MARCH 2005, available at: [https://www.hcourt.gov.au/assets/publications/speeches/former-justices/kirbyj/kirbyj\\_20mar05.htm](https://www.hcourt.gov.au/assets/publications/speeches/former-justices/kirbyj/kirbyj_20mar05.htm)

است که جوامع مختلف در تعهد اساسی به اصل استقلال حرفه حقوقی و اقدامات عملی برای اطمینان از رعایت آن متحد باقی بمانند؛ این بدان معناست که قضات و وکلا باید دلیل اهمیت آن را توضیح دهند. گاهی اوقات، برای انجام این کار، ناچار به سران قدرت در دولت، جامعه و رسانه‌ها دست می‌یازند؛ در حالی که این دسته استقلال حقوقی را بر نمی‌تابند. هرچند که استقلال قضایی و استقلال وکالت ارتباط منطقی تنگاتنگی با هم دارند، ولی دو مفهوم جدا از هم هستند که ضرورت دارد مستقل از هم مطالعه شوند.

### ۱-۱. استقلال قضایی

شرایط لازم برای تحقق استقلال قضایی را می‌توان از دو جنبه مورد بررسی قرار داد: اولین شرط لازم جهت تحقق استقلال قضایی، وجود ساختاری مستقل برای قوه قضاییه و دومین شرط لازم، وجود سازوکارهایی جهت تضمین استقلال فردی قضات است. (خندانی و عامری نیا، ۱۳۹۷: ۱۹۲)

استقلال نهادی به این معناست که قوه قضاییه باید از دیگر قوا، یعنی قوه مجریه و مقننه مستقل باشد و با تفکیک قوا، باید از قوه قضاییه در برابر نفوذ یا مداخله‌ی ناروای سایر قوا حمایت کرد؛ استقلال نهادی خود فی‌نفسه هدف نیست، بلکه وسیله‌ای برای دستیابی به هدف اصلی که همان استقلال قاضی است، می‌باشد. روشن است که قاضی برای کسب بی‌طرفی باید در چنان فضایی قرار بگیرد که بتواند استقلال خود را حفظ کند. نظام درونی سازمان اداری دادگستری هم باید مستقل از سایر قوا، طراحی و مدیریت شود. دستگاه دادگستری مستقل، نهادی است که قضات آن تا زمانی که رفتار شایسته دارند، از تصدی به قضاوت، دستمزد کافی که آنان را از اجبار دولت یا اشخاصی حمایت می‌کند و منزلت کافی برخوردارند و در برابر دخالت تقنینی و اجرایی مقاوم است. این نوع استقلال ضامن استقلال فردی قاضی است و با رعایت آن، مسلماً بخشی از استقلال شخصی هم از مداخله محفوظ می‌ماند. به عبارت دیگر، استقلال دادگستری دیوار محکمی است که از نفوذ و تاثیر ناروای دیگر شعب قدرت در تصمیم دادرسان پیشگیری می‌کند و از سوی دیگر، با تفکیک قوا رابطه دارد. به هر حال، دخالت در استقلال فردی دادرس، برای حاکمیت قانون زیانبار است. (همان، ۱۹۳)

استقلال قضایی بر اساس ماده ۱۰ اعلامیه جهانی حقوق بشر و ماده ۱۴.۱ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی تضمین می‌شود. به علاوه، در اسناد بین‌المللی متعددی به استقلال قضایی تصریح و تاکید شده است که می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود: ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشری و آزادی‌های اساسی؛ ماده ۷ منشور آفریقایی حقوق بشری و مردم؛ ماده ۸ کنوانسیون آمریکایی حقوق بشری؛ ماده ۳ منشور دموکراتیک بین‌آمریکایی؛ قطعنامه ۳۲/۴۰ مجمع عمومی سازمان ملل متحد (۲۹ نوامبر ۱۹۸۵) و ۱۴۶/۴۰ (۱۳ دسامبر ۱۹۸۵)؛ و قطعنامه‌های ۳۳/۲۰۴ (۱۹



آوریل ۲۰۰۴)، ۴۳/۲۰۰۳ (۲۳ آوریل ۲۰۰۳)، ۴۳/۲۰۰۲ (۲۳ آوریل ۲۰۰۲)، ۲۰۰۱/۳۹ (۲۳ آوریل ۲۰۰۱) و ۴۲۲/۲۰۰۰ (۲۰ آوریل) کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد.

مفهوم استقلال قضایی مستلزم آن است که قضات از هرگونه مداخله در اعمال اختیارات قضایی خود مصون باشند. هر قاضی باید از تأثیرات خارجی که ممکن است به دنبال خدشه بر بی‌طرفی او باشد، مستقل باشد. این امر مستلزم استقلال هم از سایر شاخه‌های حکومت و هم از هر گونه تأثیر دیگری است که ممکن است بر ظرفیت یک قاضی برای تصمیم‌گیری در مورد یک پرونده کاملاً بر اساس ماهیت قانونی آن تأثیر بگذارد. این امر همچنین مستلزم استقلال از سایر قضات دخیل در تصمیم‌گیری است؛ ارزیابی بی‌طرفانه حقایق و اجرای عینی قانون برای استقلال حقوقی ضروری است.

استقلال قضایی هر دو جنبه نهادی و فردی را در بر می‌گیرد. از حیث نهادی، قوه قضائیه باید به عنوان یک قوه مجزا و مستقل مورد احترام قرار گیرد. در عین حال، در داخل قوه قضائیه، قضات منفرد باید از آزادی ماهوی لازم برای انجام وظایف خود به شیوه‌ای مستقل و بی‌طرفانه، فراتر از هر گونه نفوذ و فشار نامناسب یا نامعلوم برخوردار باشند.

بیانیه اصول استقلال قوه قضائیه پکن، جهانی‌بودن این مفهوم را به عنوان ارزش اصلی حقوق بین‌الملل نشان می‌دهد. تقریباً ربع قرن پیش، این قطعنامه بیانیه استقلال قضایی با اتفاق آرا در ششمین کنفرانس دوسالانه روسای دادگستری آسیا و اقیانوسیه به تصویب روسای دادگستری بیست کشور رسید<sup>۱</sup> و متعاقباً، تعداد دیگری امضاکننده به آن در طول زمان اضافه شده‌اند.<sup>۲</sup> علیرغم تفاوت‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی بین این دولت‌ها، همه متفق‌القول بوده‌اند که اصل قوه قضائیه قوی و مستقل هدف مشترک جوامعی است که از حقوق بشری حمایت می‌کنند و به حاکمیت قانون احترام می‌گذارند.

پذیرش اصول پکن مشتمل بر پذیرش تعهدات قابل توجهی بود. توسعه ابزارهای بین‌المللی و منطقه‌ای از این دست با تأکید بر استقلال قوه قضائیه و حرفه حقوقی گام مثبتی است. با این حال، بیان حداقل استانداردها در اسناد حقوق بشری یا قوانین اساسی ملی به‌خودی‌خود تضمین نمی‌کند که این استانداردها همیشه در عمل رعایت شوند. برای اینکه استقلال قضات و وکلای در عمل

1. Chief Justice of Australia; Chief Justice of Bangladesh; Vice-President, Supreme People's Court of the People's Republic of China; Chief Justice of Hong Kong; Justice of the Supreme Court of India; Chief Justice of Indonesia; Chief Justice of the Republic of Korea; Chief Justice of Mongolia; Chief Justice of the Supreme Court of the Union of Myanmar (formerly Burma); Chief Justice of Nepal; Premier President, Court of Appeal of New Caledonia; Chief Justice of New Zealand; Chief Justice of Pakistan; Chief Justice of Papua New Guinea; Chief Justice of the Philippines; Chief Justice of Singapore; Justice of the Supreme Court of Sri Lanka; Chief Justice of Vanuatu; Chief Justice of Vietnam; Chief Justice of Western Samoa.

2 Chief Justice of Fiji; Chief Justice of Japan; Chief Justice of the Republic of Kiribati; President of the Constitutional Court of Korea; Chief Justice of Malaysia; Chief Justice of the High Court of the Marshall Islands; Chief Justice of Nauru and Tuvalu; Chief Justice of the Republic of the Seychelles; Chief Justice of the Supreme Court Russian Federation; Chief Justice of the Solomon Islands; President of the Supreme Court of Thailand; Chief Justice of Tonga.

رعایت شود، باید در برابر فرسایش، از این استقلال محافظت کرد و در تبدیل نظریه استقلال حرفه‌ای حقوقی به عمل هوشیار بود.

در سطح عملی، دکترین استقلال قضایی عوامل مختلفی را دربرمی‌گیرد. در رابطه با قضات، ملاحظاتی از قبیل شرایط استخدامی شایسته، امنیت شغلی و تضمین دستمزد و حقوق کافی، حداقل الزامات برای حفظ استقلال قضایی است. در سطح نهادی، عناصری مانند استقلال اداری، جدایی از سایر قوای حکومت، منابع کافی و صلاحیت انحصاری قضاوت در مورد موضوعات برای تصمیم‌گیری در مورد ایجاد و حفظ یک قوه قضائیه مؤثر ضروری است.

ماده ۴۰ اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری (اساسنامه رم) به استقلال قضات اختصاص یافته و مقرر می‌دارد:

۱. قضات باید در انجام وظایف خود مستقل باشند.
۲. قضات نباید در هیچ فعالیتی شرکت کنند که احتمالاً در عملکرد قضایی آنها تداخل داشته باشد یا اعتماد به استقلال آنها را تحت تأثیر قرار دهد.
۳. قضاتی که باید به صورت تمام‌وقت در مقر دادگاه خدمت کنند، نباید به هیچ شغل دیگری با ماهیت حرفه‌ای مشغول شوند...»

آنگاه برای اینکه تشخیص رعایت یا نقض خود استقلال موجب دخالت و نفوذ احتمالی خارجی نشود، بند ۴ همین ماده مقرر می‌دارد: «هرگونه سوال در مورد اعمال بندهای ۲ و ۳ با اکثریت مطلق قضات تصمیم‌گیری می‌شود. در صورتی که چنین سؤالی به یک قاضی مربوط باشد، آن قاضی نباید در تصمیم‌گیری شرکت کند.»<sup>۱</sup>

ماده ۳ کد اخلاق قضایی این دیوان تحت عنوان «استقلال قضایی» اشعار می‌دارد:

۱. قضات باید از استقلال دفتر خود و اختیارات دادگاه حمایت کنند و در اجرای وظایف قضایی خود مطابق با آن رفتار کنند.
۲. قضات بدون توجه به محدودیت‌ها، تأثیرات ناروا، انگیزه‌ها، فشارها، تهدیدها یا دخالت‌های مستقیم یا غیرمستقیم، از هر طرف و به هر دلیلی، بر اساس واقعیات و بر اساس قانون، درباره موضوعاتی که پیش روی خود هستند، تصمیم‌گیری می‌کنند.
۳. قضات نباید در هیچ فعالیتی شرکت کنند که احتمالاً، در عملکرد قضایی آنها تداخل ایجاد کند یا اعتماد به استقلال آنها را تحت تأثیر قرار دهد.

قضات در دادگاه‌های بین‌المللی از لحاظ تاریخی تحت فشارهای سیاسی بوده‌اند که ممکن است بر استقلال آنها تأثیر بگذارد. اساسنامه رم سیستمی را ایجاد کرده است که در آن، قضات

1. <https://www.icc-cpi.int/sites/default/files/RS-Eng.pdf>



توسط نمایندگان سیاسی دولت‌های عضو، بدون هیچ گونه فرآیند بررسی مستقل انتخاب می‌شوند. قضات کنترل بالایی بر تصمیمات اساسی در مورد اینکه چه کسی باید تحت تعقیب قرار گیرد، خواهند داشت؛ مسأله‌ای که معمولاً در حوزه اختیارات دادستان است. برخی معتقدند به این دلایل ترس از اینکه این سیستم نتواند تدابیر لازم را برای تضمین حفظ استقلال قضایی فراهم کند، وجود دارد.<sup>۱</sup>

## ۲-۱. استقلال وکالت

در خصوص استقلال وکالت نیز هم جنبه استقلال نهاد وکالت مطمح نظر است و هم استقلال شخص وکیل. استقلال نهاد به منظور ایجاد تضمیناتی برای استقلال شخصی وکیل صورت می‌گیرد.

### ۱-۲-۱. نهاد وکالت (کانون وکلا)

برخی استقلال کانون وکلا را ادامه یا وابسته به مفهوم قدیمی تر استقلال قوه قضاییه دانسته‌اند<sup>۲</sup> و برخی استقلال قوه قضاییه را این گونه تعریف کرده‌اند: «وضعیتی است که در آن، قوه قضاییه در چارچوب نظام ارزشی و در جهت حفظ آن حرکت می‌کند» (رشوند بوکانی، ۱۳۸۸: ۱۶۲). اگر این دو مطلب را کنار هم بگذاریم، استقلال نهاد وکالت به حفظ نظام ارزشی یک جامعه تنزل می‌یابد. در حالی که نه استقلال وکلا همان استقلال قوه قضاییه است و بلکه، بخشی از آن استقلال در برابر قوه قضاییه است و نه مفهوم استقلال قوه قضاییه به حفظ چارچوب نظام ارزشی محدود می‌شود؛ بلکه احقاق حقوق افراد از جمله در برابر حاکمیت جزئی از وظایف قوه قضاییه و وکلا و اثر و نمود استقلال آنهاست.

در ماده ۱ لایحه‌ی قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری مصوب ۱۳۳۳ تصریح شده است که کانون وکلای دادگستری، موسسه‌ایست مستقل و دارای شخصیت حقوقی. در ماده ۲ لایحه‌ی قانونی به اداره کانون وکلا توسط هیئت‌مدیره منتخب وکلا تصریح شده است. بدیهی است که در خصوص وکلای مرکز وکلا و مشاوران قوه قضاییه موسوم به ماده ۱۸۷ استقلال چندانی متصور نیست، بلکه مقامات انتصابی قوه قضاییه از صدور پروانه تا ابطال آن اختیارات کامل دارند. استقلال نهاد وکالت متضمن استقلال اجرایی، استقلال در مدیریت، چگونگی صدور پروانه برای وکلا و نظارت انتظامی در کار آنان و نهایتاً، استقلال مالی می‌باشد.

1. Sylvia de Bertodano, Judicial Independence in the International Criminal Court, *Leiden Journal of International Law*, Volume 15, Issue 2, June 2002, pp. 409 – 430, available at: <https://www.cambridge.org/core/journals/leiden-journal-of-international-law>

۲. رک: فتاحی، محمدرضا، معیارها و تضمین‌های استقلال وکیل در نظام بین‌المللی حقوق بشر، *مجله کانون وکلای دادگستری مرکز*، شماره جدید ۴۹، شماره پیاپی ۲۱۸، پاییز ۱۳۹۱، ص ۴۶-۴۷.



در سطح بین‌المللی، هشتمین کنگره سازمان ملل متحد در سال ۱۹۹۰ در هاوانا، پایتخت کوبا، با موضوع «جلوگیری از جرم و رفتار با مجرمین» به تصویب «اصول اساسی راجع به نقش و کلا» مبادرت نمود. در اصل ۲۴ از این اصول مقرر شده است «و کلا حق دارند کانون‌های حرفه‌ای مستقل تاسیس کنند و به آن پیوندند؛ کانون‌هایی که منافع آن‌ها را نمایندگی کنند، آموزش و تربیت پیوسته آنان را اعتلا بخشند و از تمامیت حرفه‌ای ایشان حمایت کنند. هیئت مدیره کانون‌های و کلا توسط اعضاء آن برگزیده می‌شوند و وظایف خود را بدون دخالت عوامل خارجی انجام می‌دهند.» ماده ۱۷ این اصول تاکید می‌کند: «در هر کشوری، یک یا چند کانون مستقل خود گردان و کلا که به طور قانونی به رسمیت شناخته شده باشد، وجود خواهد داشت. هیئت مدیره کانون‌های و کلا با انتخابات آزاد توسط تمام و کلا و بدون دخالت هیچ مرجع و شخصی برگزیده خواهند شد...» در گزارش اداره مقابله با مواد مخدر و جرم سازمان ملل متحد تاکید شده است که هر کد رفتاری و اصطلاح مشابه آن که در بردارنده اصولی برای و کلا می‌باشد، شایسته است توسط خود کانون و کلا تهیه و تدوین گردد. (شاه حیدری و همتی، ۱۳۸۹: ۴۷)

در حقوق ایران، مطابق ماده ۲۲ لایحه قانونی، کانون و کلا با رعایت مقررات این قانون، آیین‌نامه‌های مربوط به امور کانون از قبیل انتخابات کانون و طرز رسیدگی به تخلفات و نوع تخلفات و مجازات آن‌ها و ترفیعات و ... را تنظیم می‌نماید و پس از تصویب وزیر دادگستری، به موقع اجرا گذاشته می‌شود. بنابراین، در لایحه قانونی که نزدیک به ۷ دهه پیش تدوین و تصویب شده است، استقلال نهاد و کالت همسو با تحولات بین‌المللی وقت، پیش‌بینی شده است. استقلال نهاد و کالت به هیچ وجه به منزله ایجاد امتیازات انحصاری برای شخص یا گروهی خاص و یا اقدامات خودسرانه یا پاسخگو نبودن نیست که این خود نقض غرض خواهد بود. (سلیمی، ۱۳۹۰: ۱۶۶)

«در کشور ما، استقلال کانون و کلا بیشتر به معنای عدم وابستگی به قوه قضاییه و یا قوه مجریه تعبیر و کمتر از استقلال آن از قوه قانون‌گذاری نام برده می‌شود. بر اساس استانداردهای جهانی، حرفه و کالت باید خود گردان باشد و خودگردانی به آن معناست که در تدوین قوانین مربوط به خود، ابتکار عمل را در دست داشته باشد و یا حداقل در تنظیم مقررات حرفه‌ای خود نقش اساسی ایفا کند.» (پورااستاد، ۱۳۹۰: ۱۸۹). در سال ۱۴۰۰، با تصویب آیین‌نامه‌ای جدید برای لایحه قانونی توسط رئیس قوه قضائیه، چالش‌های بیشتری برای استقلال کانون و کلا ایجاد شده است. به هر حال، استقلال نهاد و کالت مهمترین تضمین استقلال و اقتدار و کیل و استقلال و کیل مهمترین ابزار دفاع از حقوق مردم در برابر صاحبان زور و زر نزد مراجع قضایی تلقی می‌شود.



## ۲-۱. استقلال وکیل

استقلال وکیل به معنی نبود هرگونه فشار خارجی، به‌ویژه از سوی مقامات عمومی و دولتی در انجام وظایف وکیل می‌باشد. استقلال فردی و کلا بدین معنی که آنها حق و وظیفه دارند بر اساس قانون و فارغ از هراس از تلافی یا انتقام‌های شخصی در مورد پرونده‌ها تصمیم‌گیری کنند. از جمله معیارها و تضمین‌های شخصی استقلال وکیل می‌توان از حضور وکیل منتخب در تمامی مراحل دادرسی، داشتن زمان و تسهیلات لازم برای وکیل و مصونیت و کلا نام برد. (فتاحی، ۱۳۹۱: ۷۲-۷۱) استقلال وکیل تضمین می‌کند که موکل می‌تواند مطمئن باشد که وکیل او بدون ترس از دخالت یا تهدید یا تعقیب حاکمیت یا سایر صاحبان قدرت، کمک حقوقی ارائه می‌کند. استقلال و کلا و دادگاه‌ها اغلب به عنوان یکی از ارکان دموکراسی در نظر گرفته می‌شوند. ارگانهای عمومی که خدمات و کالت دریافت می‌کنند، از حق محرمانه‌بودن رابطه موکل - وکیل برخوردار هستند. دولت یا پلیس نمی‌توانند وکیل این ارگان‌ها را مجبور به افشای اطلاعات مورد حمایت کنند.

یک حرفه مستقل حقوقی همچنین مستلزم آن است که وکلا در انجام کار خود بدون دخالت یا ترس از انتقام آزاد باشند. وکلای دادگستری موظفند در چارچوب قانون منافع موکلان خود را بدون ترس پیش ببرند و به دادگاه‌ها در اجرای قانون کمک کنند. برای اینکه آنها بتوانند این وظایف را انجام دهند، لازم است که از استقلال حرفه‌ای برخوردار شوند. اگر وکلا نتوانند سازمان‌های حرفه‌ای مستقل تشکیل دهند، چالش‌هایی برای چنین استقلالی ایجاد می‌شود؛ در انتخاب موکلان و پذیرش و کالت محدود هستند؛ به دلیل انجام وظایف حرفه‌ای خود تهدید به اقدامات انضباطی، پیگرد قانونی یا مجازات می‌شوند؛ به هر طریق دیگری، به دلیل موکلان خود یا کاری که انجام می‌دهند، مرعوب یا مورد آزار و اذیت قرار می‌گیرند؛ یا در نحوه انجام وظایف خود در معرض مداخله غیرمنطقی قرار می‌گیرند.<sup>۱</sup>

اصل شانزده «اصول اساسی راجع به نقش وکلا» اشعار می‌دارد: دولت‌ها امکان انجام امور زیر توسط وکلا را تضمین می‌کنند:

- الف) انجام تمام امور حرفه‌ای بدون ارعاب، مزاحمت، اذیت یا دخالت ناروا؛
- ب) انجام آزادانه مسافرت و مشورت با موکلین خود در داخل یا خارج از کشور؛ و
- پ) مصونیت از تهدید از جهت تعقیب یا ضمانت اجرای اداری یا اقتصادی راجع به اعمالی که مطابق تکالیف، معیارها و اخلاق حرفه‌ای انجام داده‌اند.

1. [https://www.hcourt.gov.au/assets/publications/speeches/formerjustices/kirbyj/kirbyj\\_20mar05.html#f01](https://www.hcourt.gov.au/assets/publications/speeches/formerjustices/kirbyj/kirbyj_20mar05.html#f01)

در کد رفتار حرفه‌ای برای وکلای دیوان بین‌المللی کیفری علاوه بر اینکه در ماده ۵ تحت عنوان «سوگند رسمی وکلا» به انجام وظیفه به صورت آزاد و مستقل تصریح شده است، ماده ۶ این کد نیز به طور کامل به استقلال وکیل اختصاص یافته است. این ماده مقرر می‌دارد:

- ۱) وکیل به طور صادقانه، مستقل و آزادانه عمل خواهد کرد.
- ۲) وکیل نباید:

الف) اجازه دهد که استقلال، تمامیت یا آزادی او با فشار خارجی تحت تاثیر قرار گیرد، یا  
ب) عملی انجام دهد که استنباط منطقی از عمل وی، خدشه‌دار شدن استقلال وی باشد.<sup>۱</sup>

ملاحظه می‌شود که در این کد، مستقل بودن وکیل علاوه بر یک حق، به عنوان یک تکلیف برای وی پیش‌بینی شده است؛ زیرا استقلال وکیل ضامن دادرسی عادلانه و یک حق اجتماعی است.

## ۲. ابعاد استقلال و روشهای تضمین آن

استقلال حرفه حقوقی (قضاوت و وکالت) جوانب مختلفی دارد و به شیوه‌های مختلفی باید تضمین شود.

### ۲-۱. امنیت شغلی و نظارت انتظامی

برای حفظ استقلال شغلی و جلوگیری از هرگونه اعمال تهدید و تحدید علیه وکلای دادگستری و قضات، این اقشار باید نوعی مصونیت از اعمال فشارهای فراقانونی احتمالی داشته باشند؛ ولی این امر نباید خود موجب عملکرد فراقانونی قضات و وکلا شود. از این رو، بنا به حساسیت این مشاغل باید نظارت انتظامی صحیحی نیز بر عملکرد شاغلین حرفه حقوقی اعمال گردد تا ضمن حفظ شأن و استقلال آنان، از هرگونه سوءاستفاده‌ای پیشگیری و لزوماً، پیشگیری شایسته شود.

مسئله اساسی در امر قضاوت در مورد قضات، طراحی مکانیزم مناسبی برای حذف قضات غیرصالح است؛ به نحوی که در عین حال استقلال دستگاه قضایی حفظ شود. متضررین از احکام قاطع قانونی بارها تلاش کرده‌اند تا قضات را نه به خاطر سوءرفتار قضایی‌شان، بلکه به علت دلخوری از احکام صادره توسط آنان از کار برکنار کنند. بدیهی است حمایت از قضات در مورد احکام قانونی که مورد پسند عده‌ای نباشد، شاخصه نظام قضایی مستقل است. البته، استقلال دستگاه قضایی به تنهایی هدف نهایی محسوب نمی‌شود. مکانیزم‌های حفظ استقلال و دستگاه قضایی برای طرفداری از قضات پیش‌بینی نشده است، بلکه برای حمایت از اصحاب دعوی است.

(نیوبور، ۱۳۸۹: ۲۳۵)

1. [https://www.icc-cpi.int/sites/default/files/Publications/Code-of-Professional-Conduct-for\\_counsel.pdf](https://www.icc-cpi.int/sites/default/files/Publications/Code-of-Professional-Conduct-for_counsel.pdf)



ماده ۲ قانون اساسی آمریکا به موضوع عزل رئیس جمهور، معاون وی و مقامات دولتی ایالات متحده آمریکا از جمله قضات فدرال به اتهام ارتکاب جرم خیانت، اخذ رشوه یا سایر جرائم جامعه جدی اشاره می‌کند. ابتدا مجلس نمایندگان مفاد کیفرخواست راجع به اتهامات را بررسی می‌کند، سپس محاکمه و رسیدگی به مفاد کیفرخواست مذکور در مجلس سنا صورت می‌گیرد. صدور حکم محکومیت نیازمند رای دوسوم حاضران بوده و به معنای عزل از مقام محلی و عدم صلاحیت اشتغال به مقامات دولتی در آینده است. (همان، ۳۴۱) با این سازوکار، امکان پرونده‌سازی یا اعمال سلیقه شخصی علیه قاضی به حداقل ممکن می‌رسد.

قضات به علت نقش ویژه خود در نظام ترافیعی نسبت به وکلا، در معرض محدودیت‌های اخلاقی بیشتری قرار دارند. کانون وکلای آمریکا مدلی را برای اخلاق حرفه‌ای قضایی مشابه اخلاق حرفه‌ای برای وکلا تدوین کرده است؛ اما در عین حال، هر ایالت مدل خاص خود را برای اخلاق حرفه‌ای به تصویب رسانده است. (همان، ۳۴۳)

در قانون اساسی ایران، ضمن اینکه اصل ۱۵۶ به استقلال قوه قضائیه اشاره می‌کند، در اصل ۱۶۴ تصریح شده است که «قاضی را نمی‌توان از مقامی که شاغل آن است، بدون محاکمه و ثبوت جرم یا تخلفی که موجب انفصال است، به طور موقت یا دائم منفصل کرد یا بدون رضایت او محل خدمت یا سمتش را تغییر داد؛ مگر به اقتضای مصلحت جامعه با تصمیم رئیس سه قوه قضائیه پس از مشورت با رئیس دیوان عالی کشور و دادستان کل. نقل و انتقال دوره‌ای قضات بر طبق ضوابط کلی که قانون تعیین می‌کند، صورت می‌گیرد.» لازم به تاکید است که رئیس دیوان عالی کشور و دادستان کل خود توسط رئیس قوه قضائیه عزل و نصب می‌شوند؛ لذا، ممکن است مشاوره مستقلی نتوانند ارائه دهند. ضمناً، هیچ ضابطه‌ای برای اثر این مشاوره و احراز آن پیش‌بینی نشده است.

در ایران، تمامی قضات از دادیار دادرسی عمومی و دادرس دادگاه حقوقی تا قضات تجدیدنظر، قضات سازمان قضایی نیروهای مسلح، روسای دادگستری، دادستانها و قضات دیوان عالی کشور همگی توسط رئیس قوه قضائیه منصوب می‌شوند. مقررات حاکم بر اخلاق حرفه‌ای قضات، منحصرأ قانون نظارت بر رفتار قضات منصوب مهرماه ۱۳۹۰ می‌باشد که گاهی بخشنامه‌های رئیس قوه قضائیه هم به آن اضافه می‌شوند. مرجع تعقیب انتظامی قضات دادرسی انتظامی و دادگاه عالی انتظامی قضات است که قضات آن نیز توسط رئیس قوه قضائیه منصوب می‌شوند. در ماده ۵ این قانون که به عدم امکان تغییر قضات دادگاه عالی انتظامی بجز موارد مشمول اصل ۱۶۴ اشاره شده است، با توجه به تمرکز اختیارات در شخص رئیس قوه قضائیه، بدیهی است که وی می‌تواند با ابزارهای متعددی که در اختیار دارد، هر یک از آنان را نیز تغییر دهد یا پرونده را از روند متعارف رسیدگی خارج کند. همچنین، مرجع تعقیب کیفری قضات، دادرسی جرائم کارکنان دولت است که آنان نیز همگی توسط رئیس قوه قضائیه منصوب می‌شوند. بنابراین، در

صورتی که رئیس قوه قضاییه اراده کند، به صورت مستقیم یا غیرمستقیم، هر قاضی را می‌تواند انتقال دهد یا از شغل خود برکنار کند. در رویه عملی نیز رسیدگی به پرونده‌هایی که توسط یک قاضی شروع به رسیدگی شده، در اثر بازنشستگی یا بازخرید یا حتی مرخصی قاضی یا نقل و انتقال وی به شعبه دیگر، عملاً به افراد دیگری سپرده می‌شود. بنابراین، استقلال قضایی از این جهت نیز مخدوش است.

خود انتظامی بخشی از حمایت از استقلال و کیل است. نقش و کیل ارائه مشاوره از طرف موکل است. گاهی اوقات در اختلافات مربوط به حکومت یا نهادهای حکومتی، اگر سازمانی که نظارت بر و کلا را به عهده دارد، به طور مستقیم یا غیرمستقیم توسط دولت کنترل شود، تضاد منافع ایجاد می‌کند. در آمریکا، مقررات انتظامی بر اساس نمونه مقررات رفتار حرفه‌ای که توسط کانون وکلای آمریکا تدوین شده، در ایالات مختلف الگوبرداری شده و با تغییرات جزئی اجرا می‌شود.<sup>۱</sup> از دو دهه پیش در ایران، وکلای دادگستری به دو دسته تقسیم شده‌اند: بخشی که از سال ۱۳۳۱ به موجب لایحه قانونی استقلال از طریق کانون و کلا پروانه گرفته و تحت نظر کانون وکلای دادگستری به وکالت می‌پردازند. دسته دوم، موسوم به مرکز و کلا و مشاوران قوه قضاییه یا همان ماده ۱۸۷ توسط قوه قضاییه ایجاد شده و به افراد مورد نظر پروانه وکالت صادر و اعطا می‌کند و خود نیز نظارت بر عملکرد آنان را به عهده دارد. استقلال نهادی و حتی استقلال شخصی در مورد دسته اخیر منتفی به نظر می‌رسد. در خصوص گروه اول که تحت لوای کانون و کلا فعالیت می‌کنند نیز نظارت‌های شدید دولتی وجود دارد؛ زیرا از بدو صدور پروانه، استعلام‌هایی از مراجع دولتی صورت می‌گیرد که البته، برخی از این موارد ضروری و قانونی و برخی برخلاف استانداردهای بین‌المللی است. خود نامزدهای عضویت هیئت‌مدیره کانون‌ها از زمان تصویب قانون کیفیت اخذ پروانه مصوب ۱۳۷۶ باید توسط دادگاه عالی انتظامی قضات قوه قضاییه احراز یا تایید صلاحیت شوند که در مواردی بدون دلیل از احراز صلاحیت آنان اجتناب می‌شود. همچنین، آرا دادگاه‌های انتظامی کانون و کلا که با حضور سه دادرس صادر می‌شود، قابل تجدیدنظرخواهی در دادگاه عالی انتظامی قضات است که مرجع اخیر رای قطعی صادر می‌کند. این دادگاه‌ها از سه قاضی منصوب توسط رئیس قوه قضاییه تشکیل می‌شوند و هیچ وکیلی در این ترکیب حضور ندارد. تعداد وکلای مورد نیاز برای هر حوزه نیز توسط کمیسیونی متشکل از رئیس کانون و کلا و رئیس دادگستری و رئیس دادگاه انقلاب آن حوزه تعیین می‌شود که در اینجا نیز اعضای قوه قضاییه با داشتن اکثریت نظر خود را اعمال می‌کند.

1. [https://www.americanbar.org/groups/professional\\_responsibility/publications/model\\_rules\\_of\\_professional\\_conduct/rule\\_8\\_5\\_disciplinary\\_authority\\_choice\\_of\\_law/](https://www.americanbar.org/groups/professional_responsibility/publications/model_rules_of_professional_conduct/rule_8_5_disciplinary_authority_choice_of_law/)

**۲-۲. استقلال مالی**

قضاوت و وکالت اصولاً تنها منبع درآمد شاغلین به این حرفه‌ها برای امرار معاش و گذران زندگی است. از نظر مالی، قضاوت باید در حدی تامین مالی شوند که به هیچ وجه نگران تمشیت امور زندگی خود و خانواده خویش در حال و آینده نباشند. متوسط حقوق یک قاضی عادی<sup>۱</sup> در ایالات متحده تا ۲۶ آوریل ۲۰۲۲، ۱۷۲،۳۸۷ دلار است؛ البته، حقوق این دسته از قضاوت معمولاً بین ۱۶۹،۰۹۳ تا ۱۹۲،۹۱۹ دلار در نوسان است.<sup>۲</sup> ناگفته نماند که حقوق برخی از این قضاوت به سالیانه ۷۷۲۴۴۶ دلار بالغ می‌شود.<sup>۳</sup> از ژانویه ۲۰۲۰، قضاوت مستشار دیوان عالی آمریکا سالانه ۲۶۵۶۰۰ دلار حقوق دریافت می‌کنند؛ رئیس ۲۷۷۰۰۰ دلار حقوق دریافت می‌کند.<sup>۴</sup> جالب است که قضاوت رده‌های پایین تر گاهی حقوقی بالاتر از قضاوت دیوان عالی دریافت می‌کنند. در دیوان بین‌المللی کیفری، هر یک از اعضای دادگاه، حقوق سالانه‌ای متشکل از حقوق پایه (که برای سال ۲۰۱۸ بالغ بر ۱۸۷۰۰۰ دلار آمریکا بوده است) و تعدیل پس از آن، دریافت می‌کنند. رئیس دیوان کمک هزینه اضافی ویژه معادل ۲۵۰۰۰ دلار آمریکا دریافت می‌کند.<sup>۵</sup>

متأسفانه، حقوق قضاوت ما در مقایسه با اغلب کشورهای بسیار ناچیز است و به کمتر از یک دهم حقوق جاری قضاوت فوق‌الذکر هم نمی‌رسد. تا زمانی که امرار معاش متعارف و در شأن یک قاضی از دغدغه‌های روزمره وی باشد، او نمی‌تواند استقلال داشته باشد و کنکاش در میزان درآمد

1. Magistrate

2. [https://www.google.com/search?q=us+magistrate+judge+salary+2022&client=safari&channel=iphone\\_bm&sxsrf=ALiCzsZpo8SEaAqdNc8UORCzdxLtmVSMaw%3A1652341368105&ei=eLp8Yvr-BfKA9u8PvfufAQ&og=us+magistrate+judge+&gs\\_lcp=ChNtb2JpbGUtZ3dzLXdpel1zZXJwEAEYBTIHCCMqYMQJzIFCAAQgAQyBQgAEIAEMgUIABCABDIFCAAQgAQyBQgAEIAEMgUIABCABDIFCAAQgAQ6BwgjELADECC6BwgAEecQsAM6BwgAEELADEEM6CAGAEIAEMkDOgYIABAWEB5KBABHGABQw9YuBpg8m5oAXABeAKAAecFiAHED5IBDTAuMi4yLjAuMS4wLjGYAQCgAQHIAQrAAQE&scclient=mobile-gws-wiz-serp](https://www.google.com/search?q=us+magistrate+judge+salary+2022&client=safari&channel=iphone_bm&sxsrf=ALiCzsZpo8SEaAqdNc8UORCzdxLtmVSMaw%3A1652341368105&ei=eLp8Yvr-BfKA9u8PvfufAQ&og=us+magistrate+judge+&gs_lcp=ChNtb2JpbGUtZ3dzLXdpel1zZXJwEAEYBTIHCCMqYMQJzIFCAAQgAQyBQgAEIAEMgUIABCABDIFCAAQgAQyBQgAEIAEMgUIABCABDIFCAAQgAQ6BwgjELADECC6BwgAEecQsAM6BwgAEELADEEM6CAGAEIAEMkDOgYIABAWEB5KBABHGABQw9YuBpg8m5oAXABeAKAAecFiAHED5IBDTAuMi4yLjAuMS4wLjGYAQCgAQHIAQrAAQE&scclient=mobile-gws-wiz-serp)

3. [https://www.google.com/search?q=us+magistrate+judge+salary&client=safari&channel=iphone\\_bm&sxsrf=ALiCzsZMZOPNyAtBHPTwKCDQOoYybi3aQ%3A1652340390830&ei=prZ8YqupMo\\_kgXD1Ie4Bg&og=us++judge+salary&gs\\_lcp=ChNtb2JpbGUtZ3dzLXdpel1zZXJwEAEYATIGCAAQBxAEAmgYIABAHEB4yBggAEAcQHjIGCAAQBxAEAmgYIABAHEB4yBggAEAcQHjIGCAAQBxAEAmgYIABAHEB46BwgjELADECC6BwgAEecQsANKBAhBGABQ2yJyVRg3NUBaAFwAgAGuBIgB8R6SAQoYLTewLjUuMC4xmAEAoAEBYAEJwAEB&scclient=mobile-gws-wiz-serp](https://www.google.com/search?q=us+magistrate+judge+salary&client=safari&channel=iphone_bm&sxsrf=ALiCzsZMZOPNyAtBHPTwKCDQOoYybi3aQ%3A1652340390830&ei=prZ8YqupMo_kgXD1Ie4Bg&og=us++judge+salary&gs_lcp=ChNtb2JpbGUtZ3dzLXdpel1zZXJwEAEYATIGCAAQBxAEAmgYIABAHEB4yBggAEAcQHjIGCAAQBxAEAmgYIABAHEB4yBggAEAcQHjIGCAAQBxAEAmgYIABAHEB46BwgjELADECC6BwgAEecQsANKBAhBGABQ2yJyVRg3NUBaAFwAgAGuBIgB8R6SAQoYLTewLjUuMC4xmAEAoAEBYAEJwAEB&scclient=mobile-gws-wiz-serp)

4. [https://www.google.com/search?q=us+supreme+court+judge+salary&client=safari&channel=iphone\\_bm&sxsrf=ALiCzsb8EgM3evrDc4OR83urfiuc4QsJ9A%3A1652340042653&ei=SrV8Yt63J4XJkwwJpYeACw&og=us+judge+salary&gs\\_lcp=ChNtb2JpbGUtZ3dzLXdpel1zZXJwEAEYADIGCAAQBxAEAmgYIABAHEB4yBggAEAcQHjIGCAAQBxAEAmgYIABAHEB4yBggAEAcQHjIGCAAQBxAEAmgYIABAHEB46BwgjELADECC6BwgAEecQsAM6BAgAEENKBABHGABQ6CtY8T1gvnhoAXABeAGAACeEiAGvDpIBCTItMS4zLjAuMzZgBAKABAcgBB8ABAQ&scclient=mobile-gws-wiz-serp](https://www.google.com/search?q=us+supreme+court+judge+salary&client=safari&channel=iphone_bm&sxsrf=ALiCzsb8EgM3evrDc4OR83urfiuc4QsJ9A%3A1652340042653&ei=SrV8Yt63J4XJkwwJpYeACw&og=us+judge+salary&gs_lcp=ChNtb2JpbGUtZ3dzLXdpel1zZXJwEAEYADIGCAAQBxAEAmgYIABAHEB4yBggAEAcQHjIGCAAQBxAEAmgYIABAHEB4yBggAEAcQHjIGCAAQBxAEAmgYIABAHEB46BwgjELADECC6BwgAEecQsAM6BAgAEENKBABHGABQ6CtY8T1gvnhoAXABeAGAACeEiAGvDpIBCTItMS4zLjAuMzZgBAKABAcgBB8ABAQ&scclient=mobile-gws-wiz-serp)

5. [https://www.google.com/search?q=icc+judge+salary&client=safari&channel=iphone\\_bm&sxsrf=ALiCzsZUoNC5kqEHcxELPFQVJ4RHkVLA%3A1652339650854&source=hp&ei=wrN8Yp3IMYGIaefmlLgN&og=icc+jud&gs\\_lcp=ChFtb2JpbGUtZ3dzLXdpel1ocBABGAeyBQgAEIAEMggIABCA BBDJAZIFCAAQgAQyBQgAEIAEMgUIABCABDIFCAAQgAQyBQgAEIAEMgUIABCABDHC CMQ6gIQJzoNCC4QxwEQrW6gIQJzoHCC4Q6gIQJzoECCMQJzoFCC4Q6gAQ6CAGuEIAEEN QCUKIPWkLcYJyGAWgBcAB4AlABoQSIAbYTKgEJMi0zLjUuMS4xmAEAoAEBSAEP&scclient=mobile-gws-wiz-serp](https://www.google.com/search?q=icc+judge+salary&client=safari&channel=iphone_bm&sxsrf=ALiCzsZUoNC5kqEHcxELPFQVJ4RHkVLA%3A1652339650854&source=hp&ei=wrN8Yp3IMYGIaefmlLgN&og=icc+jud&gs_lcp=ChFtb2JpbGUtZ3dzLXdpel1ocBABGAeyBQgAEIAEMggIABCA BBDJAZIFCAAQgAQyBQgAEIAEMgUIABCABDIFCAAQgAQyBQgAEIAEMgUIABCABDHC CMQ6gIQJzoNCC4QxwEQrW6gIQJzoHCC4Q6gIQJzoECCMQJzoFCC4Q6gAQ6CAGuEIAEEN QCUKIPWkLcYJyGAWgBcAB4AlABoQSIAbYTKgEJMi0zLjUuMS4xmAEAoAEBSAEP&scclient=mobile-gws-wiz-serp)

و کلا و حتی حسادت به درآمد و کیل که هم‌شان وی تلقی می‌شود، امری طبیعی جلوه می‌کند. با این وصف، قاضی که فاقد استقلال مالی است، استقلال نهاد و کالت و وکیل مستقل را بر نمی‌تابد. از سوی دیگر، سازوکار پرداخت حقوق یا ارتقاء شغلی نیز نباید به گونه‌ای باشد که استقلال و شأن قاضی را مخدوش کند. همچنین، تأخیر غیرموجه در رسیدگی و صدور رأی امری مذموم و درخور مسئولیت انتظامی است؛ ولی آمارگرایی جاری در قوه قضاییه موجب شده کیفیت صدور رأی و حتی حق و حقوق مردم فدای آمار شود. گاهی اوقات، قضاتی که پی‌درپی و بدون توجه به ادعاهای طرفین، به ویژه قراردادهای منع تعقیب و عدم استماع صادر می‌کنند، صرف‌نظر از تضييع حقوق شکات و خواهان‌ها، به خاطر ارائه آمار بالا، از دریافتی‌های بیشتر و امتیازاتی برخوردار می‌شوند که موجب دلسردی قضات نکته‌سنج و باسواد و ناامیدی مردم از سیستم عدالت قضایی می‌شوند. در واقع، این امر موجب طرح دعاوی دیگر و نهایتاً، افزایش ورودی پرونده‌ها می‌شود؛ زیرا مشکل حل و فصل نمی‌گردد، بلکه صورت مساله پاک می‌شود و اختلاف مجدداً به گونه دیگری وارد نظام قضایی می‌شود.

استقلال مالی و کیل دادگستری نیز خود معضل دیگری هست که ایجاد توازن بین استقلال و معاش را گاهی مشکل می‌کند. در یک نظام حقوقی مثل ایران که تنها منبع درآمد و کیل، حق‌الوکاله دریافتی از موکل هست، چنانچه خواسته موکل غیرقانونی باشد، تکلیف و کیل چیست؟ هرچند در قوانین و مقررات ایران، از استقلال و کیل چه به عنوان حق یا تکلیف سخنی به میان نیامده است، ولی در سوگند و کالتی در ماده ۳۹ آیین‌نامه، احترام به قوانین و نظامات و اقدام بر اساس عدالت و احقاق حق... جزئی از تعهدات و کیل قلمداد و نقض سوگند یا تخلف از قسم مطابق مقررات، مجازات انتظامی درجه ۵ در پی دارد. از یک سو، وکیل نماینده موکل است و باید رهنمودها و منافع موکل را رعایت کند. از سوی دیگر، باید مستقل و تابع قانون باشد؛ در صورت تعارض این موارد، تکلیف چیست؟

در ایالات متحده آمریکا، قانون نمونه مقررات رفتار حرفه‌ای توسط کانون وکلای آمریکا (ABA)<sup>۱</sup> در سال ۱۹۸۳ به تصویب رسید. آنها به عنوان الگوهای اخلاقی در اکثر حوزه‌های قضایی اجرا می‌شوند. قبل از تصویب این قوانین مدل یا نمونه، کد مدل مسئولیت حرفه‌ای سال ۱۹۶۹ حاکم بود. قبل از کد مدل، قوانین اخلاق حرفه‌ای ۱۹۰۸ (آخرین اصلاح در سال ۱۹۶۳) وجود داشت. ماده ۲.۱ این قانون مقرر می‌دارد: «در وکالت یک موکل، وکیل باید قضاوت حرفه‌ای مستقلی داشته باشد و مشاوره صریح ارائه دهد. در ارائه مشاوره، یک وکیل ممکن است نه تنها به قانون، بلکه به ملاحظات دیگری مانند عوامل اخلاقی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی که ممکن است به وضعیت موکل مربوط باشد، توجه کند.»

1. American Bar Association



چه زمانی یک وکیل موظف به اعمال قضاوت مستقل است؟ در حالی که این سؤال به عمیق‌ترین تعهدات این حرفه می‌پردازد، در تحقیقات علمی، اخلاق حرفه‌ای و کالت تا حد زیادی ناشناخته مانده است. وکلا، علما و قضات آرمان استقلال را بیان کرده‌اند، ولی گویا از چشم‌انداز آن در یک حرفه رقابتی و بازارمحور ناامید شده‌اند. اگر وکلا «نماینده‌هایی» هستند که به دنبال تحقق اهداف موکل هستند، چگونه می‌توان استقلال وکیل را با تصور موکل به‌عنوان تصمیم‌گیرنده و ذی‌نفع اصلی مقایسه و جمع کرد؟ آیا استقلال وکیل قابل اجرا است یا اینکه کم‌بودن پرونده‌هایی که این شرط را مورد استناد و توجه قرار داده‌اند، نشان می‌دهد که هرگز نمی‌تواند بیش از یک آرزو باشد؟ آیا می‌توانیم استانداردی بسازیم که به اندازه کافی دقیق باشد تا وکلا بفهمند چه زمانی ممکن است دستورات موکل را رعایت نکنند؟ وکیل به عنوان مشاور نباید به استانداردهای اخلاقی مشابه با وکیل در مرافعه ملزم باشد. وکالت بر مبنای منطق متفاوتی بنا شده است، اهداف متفاوتی را دنبال می‌کند و در برابر اعمال نادرست از حمایت‌هایی برخوردار است که مشاوره ندارد. بنابراین، قانون ۲۰۱ به نقش‌های غیروکالتی وکیل می‌پردازد. قانون ۲۰۱ به دلیل نقش اجتماعی منحصر به فرد وکلا، از اصول نمایندگی خارج می‌شود. هنگامی که یک موکل در مورد امور جنایی یا مدنی اقدامات خود به دنبال مشاوره است، پاسخ وکیل اغلب رفتار موکل را تعیین می‌کند. منافع اجتماعی در جلوگیری از تخلف موکل، انحراف از هنجارهای نمایندگی را توجیه می‌کند. وکیل باید به طور دقیق در مورد وضعیت قانون به موکلان توصیه کند، بدون اینکه تحت تأثیر علاقه موکل به یک نتیجه خاص قرار گیرد. برای جلوگیری از تحمیل هزینه‌های قابل توجه برای جامعه، مردم تشویق می‌شوند تا در مورد درستی اقدامات پیشنهادی خود به دنبال مشاوره حقوقی باشند. قانون ۲۰۱ مستلزم آن است که وکیل قضاوت حرفه‌ای مستقلی داشته باشد تا دورنمای دقیق‌بودن چنین توصیه‌هایی را افزایش دهد. استقلال وکیل بر مشاوره حقوقی دقیق اصرار دارد، نه برای اطمینان از نمایندگی شایسته موکل، بلکه برای جلوگیری از انجام اعمال مجرمانه و متقلبانه موکل که به جامعه و اشخاص ثالث آسیب می‌رساند.<sup>۱</sup>

نهایتاً، در خصوص استقلال مالی وکیل، راهکار آرمانی این است که وکلا از جهت حداقل درآمد بیمه شوند و به سهولت در برابر خواسته‌های غیرقانونی موکلین استقلال خود را حفظ کنند و صرفاً، از حقوق قانونی آنان دفاع کنند. در وضعیت موجود نیز اغلب وکلا خود را اجیر و فرمانبر موکل نمی‌دانند تا در جهت رهنمودهای غیرقانونی وی گام بردارند؛ ولی متأسفانه، تمکین برخی از وکلا از این خواسته‌های غیرقانونی زمینه‌های به بیراهه رفتن روند اجرای عدالت را به همراه دارد.

1. Michels, Kevin H., Lawyer Independence: From Ideal to Viable Legal Standard (December 30, 2010). Case Western Reserve Law Review, Vol. 61, No. 1, pp.136-8, Available at SSRN: <https://ssrn.com/abstract=1741830>



## ۳. تاثیر متقابل استقلال و کالت و قضاوت

در برخی کشورها از جمله آمریکا، قضات از میان وکلای خوشنام برگزیده می‌شوند. کانون وکلا با تربیت وکلای مستقل و شایسته و معرفی آنان به نظام قضایی نقش مهمی در استقلال قضایی دارد. هرچند کانون وکلای آمریکا و انجمن ملی وکلای دادگستری در گزینش نامزدهای مناسب قضایی فدرال نقش رسمی ندارند، اما از طریق کمیته دائمی نظارت بر قوه قضاییه فدرال نفوذ خود را اعمال می‌کنند. این کمیته با مشورت با اعضای حرفه و کالت و اساتید حقوق در مورد نامزدها به تحقیق می‌پردازد؛ سپس، به رتبه‌بندی کاندیداها بر اساس برجسب‌هایی چون کاملاً صالح، بسیار صالح، صالح و غیرصالح می‌پردازد. اگرچه رئیس‌جمهور دارای اختیار انحصاری برای معرفی نامزدهای تصدی قضاوت دیوان عالی هست، اما بیشتر رئیس‌جمهورها فردی را که غیرصالح قلمداد می‌شود، معرفی نمی‌کنند. بنابراین، معاون دادستان کل آمریکا معمولاً قبل از معرفی نامزد، توصیه‌های کانون وکلای آمریکا را در نظر می‌گیرد و بدین صورت، برخی از نامزدهای بالقوه کنار گذاشته می‌شوند. (نیوبور، ۱۳۸۹: ۳۲۴)

متأسفانه، در ایران، وکلا غرق در مشکلات خود هستند و هرگز فرصت یا همت ایجاد سازوکاری برای تقویت استقلال قضایی نداشته‌اند. شایسته است وکلا به نقد و بررسی آرای قضایی و تحلیل عملکرد قضات پرداخته و موجبات تقدیر از قضات شایسته و پیشگیری از و پیگیری رفتارهای ناشایست را فراهم آورند.

از سوی دیگر، نفس عملکرد قانونمند و مقتدرانه جامعه و کالت در پرونده‌های مربوط و اقدامات قانونی در موارد مشاهده تخطی از مقررات می‌تواند الهام‌بخش قضات در پایبندی به استقلال و سلامت قضایی باشد و تلاش و کیل برای رسیدن به نتیجه دلخواه غیرقانونی از طریق اعمال نفوذ و افساد می‌تواند موجب گسترش فساد در نظام قضایی شود.

قوه قضائیه علیرغم جایگاه مهم آن به عنوان حافظ حقوق اقلیت‌ها و آزادی‌های فردی، ضعیف‌ترین بازوی حکومت نیز می‌باشد. این شاخه حکومتی زور و زر در اختیار ندارد. درک این واقعیت نیاز به هوشیاری برای اطمینان از استحکام و تقویت نهاد را افزایش می‌دهد. حتی در کشورهایی که استقلال حرفه و کالت دارای سابقه‌ای طولانی است و به نظر می‌رسد به‌خوبی ریشه دوانده است، به راحتی می‌توان این اصل را بدیهی دانست. نمونه‌های زیادی وجود دارد که شکنندگی استقلال حرفه حقوقی (و کالت و قضاوت) را نشان می‌دهد.

وسعت این چالش در گزارش‌های کشوری در سال ۲۰۰۴ در مورد رویه‌های حقوق بشری که توسط وزارت امور خارجه ایالات متحده گردآوری شده است، نشان داده شده است.<sup>۱</sup> این گزارش نگرانی‌هایی را درباره استقلال حرفه و کالت در بیش از نیمی از کشورهای روسای

1. Bureau of Democracy, Human Rights and Labor (U.S Department of State), *Country Reports on Human Rights Practices - 2004*, 28 February 2005. Accessed at: <http://www.state.gov>.



دادگستری آنها بیانیه اصول استقلال قوه قضائیه پکن را تایید کرده‌اند، افزایش می‌دهد. به همین ترتیب، در همان دوره، نگرانی‌هایی در منطقه آسیا و اقیانوسیه در مورد استقلال عمل دادگاه‌ها و حرفه حقوقی در ایالات متحده در رابطه با زندانیان در خلیج گوانتانامو ابراز شده است. این نگرانی‌ها تا حدی با تصمیم دادگاه عالی ایالات متحده در پرونده رسول علیه بوش برطرف شد، مطابق این تصمیم کسانی که بازداشت‌شدگان «جنگ علیه تروریسم» را نگهداری می‌کردند، در برابر دادگاه‌ها و نه فقط در برابر دولت یا قوه مجریه پاسخگو هستند.

همینطور در «گزارش حملات به عدالت؛ آزار و شکنجه قضات و وکلا» (۲۰۰۲)، منتشرشده توسط کمیسیون بین‌المللی حقوقدانان، اقدامات تلافی‌جویانه علیه ۳۱۵ وکیل و قاضی، از جمله ۳۸ قتل و ۵ ناپدیدشدن در دوره مورد مطالعه را نشان داد.<sup>۱</sup> نمونه‌ها نشان می‌دهد که شکافی بین تعهد به نظریه استقلال حقوقی و تبدیل آن تعهد به عملکرد و رویه روزمره وجود دارد.

چالش مهمی برای استقلال حرفه و کالت و قضاوت در سراسر جهان در مبارزه با تروریسم و جرایم امنیتی مطرح شده است. پاسخ به افزایش محسوس تهدید تروریسم و در عین حال، حمایت از حاکمیت قانون و حقوق اساسی بشری یک سوال مهم برای همه ملت‌ها و چالشی خاص برای اعضای حرفه حقوقی و وکالت است. تاریخ می‌آموزد که فشار فزاینده‌ای بر استقلال حرفه و کالت در مواقع جنگ و اضطرار ملی وارد می‌شود. حرفه حقوقی باید مراقب فشارهای وارده به قضات و وکلا باشد.

ادامه پافشاری بر اعمال حاکمیت قانون و حمایت از آزادی‌های مدنی در چارچوب ضوابط مندرج در اسناد بین‌المللی و قوانین اساسی، به ویژه در شرایط تشدید نگرانی‌های امنیتی، چالش بزرگی پیش روی قوه قضائیه و حرفه حقوقی است.

استقلال قوه قضائیه و حرفه حقوقی یک اصل اساسی است که توسط جامعه بین‌المللی به عنوان عاملی ضروری برای دستیابی به یک جامعه متمدن به رسمیت شناخته شده است. این استقلال برای تضمین حاکمیت قانون و محافظت در برابر نقض حقوق و آزادی‌های بشری، اساسی است. تحقق این اصل از افراد ضعیف، آسیب‌پذیر و غیرمحبوب و همچنین، ثروتمند و قدرتمند محافظت می‌کند. بدیهی است نمونه‌هایی از ملت‌ها وجود دارند که این اصل را رعایت نمی‌کنند.

اعضای حرفه حقوقی مسئولیت ویژه‌ای دارند تا در برابر تهدیدات علیه استقلال خود محافظت کنند و در برابر تلاش برای انحراف هوشیار باشند. این مسئولیت به دلیل درک آنها از اهداف، اصول و هزینه‌های قابل توجهی است که در صورت از بین رفتن استقلال و کلا و قضات توسط جامعه متحمل می‌شود. چالش این است که شعار را با عمل تطبیق دهیم تا اطمینان حاصل شود که آرمان‌های بیان‌شده در بسیاری از اسناد بین‌المللی در خصوص استقلال در واقعیت‌های سیستم

1. International Commission of Jurists, *Attacks on Justice: the Harassment and Persecution of Judges and Lawyers*, 2002

قضایی اجرا می‌شود. همانطور که وارن برگر، رئیس دادگاه عالی ایالات متحده، یک بار بیان کرد: «ایده‌ها، آرمان‌ها و تصورات بزرگ برای یک نظام عدالت حیاتی هستند، اما باید بیش از آن را داشته باشد - باید ارائه و اجرا شود.»<sup>۱</sup>

استقلال قضات یا وکلا به خودی خود حاصل نمی‌شود. همچنین، هدف استقلال، مصونیت شاغلین حرفه حقوقی از مسئولیت‌پذیری در انجام وظایف حرفه‌ای و قوانین عمومی نیست؛ بلکه هدف آن، حمایت از مردم است تا در پناه حرفه حقوقی مستقل در امنیت و آرامش باشند. در خصوص جزئیات آنچه که برای تضمین استقلال قضات و وکلا لازم و کافی است، تفاوت وجود دارد. اما در مبحث اساسی لزوم حفظ امتیاز حرفه‌ای قضایی و حقوقی بحثی نیست. چنین استقلالی برای اجرای بی‌طرفانه و صادقانه عدالت و حفظ شجاعانه حاکمیت قانون حیاتی است.

حاکمیت قانون و اجرای عدالت وجه اشتراک حرفه حقوقی مستقل است، زیرا هم وکیل مستقل و هم قاضی مستقل در صدد اجرای عدالت از طریق حاکمیت قانون هستند. استقلال قضایی موجب صدور آرای قانونمند و قابل‌پیش‌بینی می‌شود. در نظام قضایی قانونمند و قابل‌پیش‌بینی، کار وکالت بسی آسانتر و فشار روانی آن کمتر است و در چنین نظامی، وکلا متوجه می‌شوند که راه پیشرفت حرفه‌ای از رهگذر تسلط بیشتر بر قوانین و تکیه بر مواضع قانونی هست، نه برقراری روابط ناسالم و توسل به شیوه‌های فسادآمیز. وجود وکلای مستقل و قانونمند نیز برای قضات مستقل نعمتی هست که آنان را در راه رسیدن به حقیقت و عدالت از مجرای قانونی کمک می‌کند و مانع از انحراف نظام قضایی می‌شود. چنانچه استقلال وکلا و قضات غالب باشد، افراد تحت نفوذ انگشت‌نما شده و از نظام قضایی و وکالت رانده می‌شوند.

چنانچه حاکمیت، استقلال قضایی را برنتابد، آثار آن دامنگیر حرفه وکالت نیز می‌شود. استقلال قضات از آنان گرفته می‌شود و آنان تحت نفوذ صاحبان قدرت موازین قانونی را به نفع قدرتمندان و جهت حفظ و شاید ارتقای موقعیت خود زیر پا می‌گذارند. آنگاه که نقض قانون به نفع یا به دستور مقامات مافوق مباح و عادی تلقی شود، قضات برای منافع شخصی خود نیز قانون را نادیده می‌گیرند و لذا، در پی اخذ جوه و امتیازات، آرای غیرقانونی صادر می‌کنند. بنابراین، با نقض استقلال قاضی از طریق نفوذ سیاست، خودبه‌خود نقض استقلال از طریق فساد مالی نیز رخ می‌نماید. در چنین فضایی، وجود و حضور وکیل مستقل یک مزاحم تمام‌عیار تلقی می‌شود که عملکرد قاضی غیرمستقل را زیر سؤال می‌برد. قاضی غیرمستقل با علم و اطلاع قانون را نقض می‌کند، لذا تمایل یا توان پاسخگویی ندارد. به تدریج، وکلای مستقل بی‌انگیزه شده و امکان فعالیت خود را از دست می‌دهند و به ناچار یا از شغل وکالت کناره‌گیری می‌کنند و یا به تدریج، بجای ملاحظات حقوقی و تکیه بر قانونمندی به ملاحظات و ابزارهای دیگری روی می‌آورند. در

1. Chief Justice Warren Burger, *Address to the American Bar Association* (San Francisco), reported in *Vital Speeches*, 1 October, 1972.



چنین فضایی، قضات مستقل یا نیمه مستقل نیز تحمل نمی شوند؛ زیرا به جهت عدم تمکین از اربابان قدرت نه تنها امکان پیشرفت شغلی در حد استحقاق خود را پیدا نمی کنند، بلکه مغضوب مقامات مافوق قرار می گیرند و از نظام قضایی به حاشیه رانده می شوند. در این فضای فاقد استقلال قضایی، پیشرفت شغلی قضات نه بر اساس صدور آرای مستحکم و قانونی، بلکه بر مبنای میزان وابستگی و تبعیت از خواسته های صاحبان قدرت تعیین می شود. موفقیت و کلا نیز با میزان استقلال آنان در مقابل هم قرار می گیرد. و کلا یاد می گیرند که بجای تکیه و اصرار بر مواضع قانونی، به دنبال روابط فراقانونی باشند. توانایی ارتباط گرفتن با مقامات کارآمدتر از هرگونه دفاع قانونمند و مستقلانه ای تلقی می شود، زیرا با تطمیع آنان هم به سرعت به نفع موکل رای مورد نظر - هر چند برخلاف قانون - اخذ می کنند و هم به جهت سهم کردن مقامات بالاتر در درآمد خود، موقعیتی برتر در نظام قضایی پیدا می کنند تا قضات عادی نیمه مستقل یارای مقابله با آنان را نداشته باشند و از سوی دیگر، موجبات رونق شغلی بخاطر موفقیت های محیرالعقول در پرونده ها را پیدا می کنند. بنابراین، در نظام قضایی غیرمستقل، که قضات مستقل جایگاهی ندارند، و کلا مستقل نیز جایگاهی ندارند؛ کارچاق کنی و واسطه گری هنر اصلی و کلائی موفق تلقی می شود. و کیل بجای یافتن راهکار قانونی یا در کنار راهکار غیرقانونی، دنبال راهکار ارتباطی می گردد. قضات غیرمستقل در پرونده های مهم برای خود سهمی قائلند؛ بجای کشف حقیقت، درصدد کشف میزان عایدی خود هستند و توجه خود را بر میزان خواسته و حتی کنکاش در میزان حق الوکاله دریافتی و کیل معطوف می کنند و به و کیل و موکلش می فهمانند که بدون جلب نظر قاضی، نمی توانند به رأی مورد نظر خود برسند. عایدی مالی یا غیرمالی قاضی گاهی مستقیم از طرفین پرونده و گاهی از طریق اجابت منویات مقامات مافوق با تثبیت و ارتقای شغلی حاصل می شود. رقابت اصلی زمانی رخ می دهد که هر دو طرف صاحب نفوذ باشند و حتی اگر خود قاضی صادرکننده رای بری از فساد بوده باشد، ممکن است موقعیت شغلی خود را در خطر ببیند؛ زیرا هریک از طرفین حمایت یک یا چند مقام بالاتر را به همراه دارد.

کارکرد نظام نظارتی و انتظامی قضایی و وکالتی نیز بسته به میزان استقلال حرفه حقوقی کاملاً متفاوت است. در نظام قضایی مستقل، ابزارهای نظارتی و انتظامی، بازوی حمایت و حفاظت از قضات مستقل و رشد آنان تلقی می شوند. ماهیت نظام قضایی به گونه ای هست که در امور ترافعی محکوم علیه اصولاً ناراضی هست و اگر توانایی داشته باشد، سعی می کند از قاضی انتقام بگیرد. مراجع نظارتی و انتظامی در نظام قضایی مستقل به عنوان سپر دفاعی قوی اجازه نمی دهند هیچگونه تعرضی به قاضی مستقل به خاطر عملکرد قانونمند وی صورت گیرد. امنیت شغلی و ارتقای قاضی در چارچوب قانونی مشخص تضمین می شود. قضات مستقل و سالم اطمینان دارند که در پناه قانون هیچ مقام و مرجعی نمی تواند متعرض آنان شود. در خصوص قضاتی که استقلال خود را از دست

دهند، حساسیت دارد و در این خصوص، از همکاری و کلای مستقل استقبال می‌کند. از این رو، ارتباط مراجع نظارتی قضایی با کلای مستقل قوی و سازنده است. نهاد و کالت نیز برای تقویت این تعامل، با صرف وقت و هزینه لازم نهادهایی را برای نظارت بر سلامت نظام قضایی ایجاد می‌کند. از سوی دیگر، مراجع نظارتی و کلا نیز نسبت به عملکرد قانونمند و مستقلانه اعضای خود حساس و دقیق است و از هرگونه گزارش بیطرفانه از مراجع ذی‌مدخل و به ویژه مراجع قضایی در خصوص عملکرد اعضای خود استقبال می‌کند. رسیدگی مراجع انتظامی قاطع و قانونمند است. همانطور که در برخورد با وکلای متخلف قاطع هست، در برابر اعمال فشار مقامات جهت به حاشیه‌راندن وکلای شجاع و مستقل، با قاطعیت ایستادگی می‌کند.

در نظام قضایی غیرمستقل، سیستم نظارتی نیز عمدتاً برای مطامع شخصی مورد سوءاستفاده قرار می‌گیرد. مناصب نظارتی خود رانت مهمی تلقی می‌شوند که صاحبان آن را از امتیازات ویژه برخوردار کنند. بجای قضات مستقل، قضات غیرمستقل و تابع و وفادار به مقامات در پناه حمایت سفت و سخت این مراجع قرار می‌گیرند. این دسته قضات نوعی مصونیت نانوشته پیدا می‌کنند که در کنار جلب رضایت اربابان قدرت، برای خود نیز کاسبی راه انداخته‌اند و مراجع نظارتی نیز تمایل یا توانایی برخورد با آنان را ندارند. برای تصدی مراجع نظارتی، رقابت سنگینی وجود دارد؛ زیرا امتیازات منحصر به فردی دارد. اگر قاضی راه قانون و استقلال را بر تبعیت از منویات این مراجع یا مقامات مورد نظر ترجیح دهد، باید منتظر عواقب سنگین کار خود با اقدامات فراقانونی مراجع انتظامی و نظارتی باشد. بدیهی است که این مراجع از گزارشات وکلای مستقل استقبال نمی‌کنند، مگر آنکه علیه یک قاضی نافرمان و مستقل باشد یا اینکه خود وکیل از وابستگان قدرت باشد. در چنین نظامی، مراجع انتظامی و کلا نیز استقلال عمل خود را از دست داده و فرمایشی عمل می‌کنند. حاکمیت یا این مراجع را به طور کلی در دست می‌گیرد یا آنها را فرمانبر خود می‌کند تا وکلای مستقل را به حاشیه رانده و از گردونه خارج کند تا مزاحم یا افشاگر عملکرد ناصواب نباشند. مقامات مراجع انتظامی و کلا سعی می‌کنند از این ابزار برای ایجاد ارتباطات شخصی با اربابان قدرت استفاده و با آنان تعامل کنند. مراجع انتظامی وابسته و کلایی را که با حفظ استقلال در برابر حاکمیت قد علم کنند، ممنوع‌الوکاله می‌کنند؛ ولی کارچاق‌کنی و افساد و کلا را عادی قلمداد می‌کنند.

### بحث و نتیجه‌گیری

برای تحقق حاکمیت قانون، شاغلین به حرفه حقوقی اعم از وکلا و قضات باید استقلال داشته باشند. منظور از استقلال آن است که این افراد در انجام وظایف خود تحت هیچ فشار خارجی قرار نگیرند. استقلال نهاد قضاوت و وکالت برای تامین استقلال شخصی قاضی و وکیل لازم است. استقلال قاضی مستلزم استقلال مالی با تامین و تضمین حقوق مکفی، امنیت شغلی با عدم امکان



عزل بلاوجه یا جابه‌جایی بدون رضایت قاضی است. سرنوشت شغلی قاضی نباید به اراده شخص یا افراد مشخصی باشد، بلکه باید تمهیداتی اندیشیده شود که ارگانهای مستقل بدون هیاهو و بدون تاثیرپذیری از مراکز قدرت منحصرأ بر اساس قانون به تخلفات ادعایی رسیدگی کنند. وجود وکیل مستقل همواره می‌تواند مفید باشد، ولی در نظامی که استقلال قضایی نباشد، وکالت مستقل نیز تحمل نمی‌شود. قاضی مستقل برای وکیل مستقل و وکیل مستقل برای قاضی مستقل مایه پشتگرمی و تقویت بوده و این هر دو قشر مهمترین پناهگاه برای ستمدیدگان هستند. در نظام قضایی مستقل، وکیل غیرمستقل جایگاهی ندارد و موفق نخواهد بود، ولی نظام قضایی غیرمستقل، قضات فرمانبر و وکیل فرمانبر و غیرمستقل می‌طلبد. نظام قضایی غیرمستقل، وکیل مستقل و شجاع را به عنوان مزاحم کار خود می‌بیند و سعی می‌کند چنین وکیلی را از صحنه وکالت حذف یا مأیوس کند. بنابراین، تا زمانی که نظام قضایی مستقل نباشد، تلاش برای استقلال جامعه وکالتی تلاشی بی‌ثمر و عبث خواهد بود. چنانچه جامعه وکالت درصدد کسب استقلال واقعی باشد، ابتدا باید برای استقلال قضایی تلاش کند.

البته، نباید فکر کنیم که تامین استقلال قضات و وکلا پایانی بر مشکلات حقوقی جامعه است؛ چنین استقلالی برای یک جامعه عادلانه لازم است، اما کافی نیست. اگر تعداد کمی از افراد نیازمند، توانایی پرداخت هزینه‌های وکالت را داشته باشند و معاضدت حقوقی رایگان وجود نداشته باشد یا به سختی پیدا شود، مستقل بودن وکلا برای برخی اقشار جامعه فایده‌چندانی ندارد. اگر قانون، در صورت دسترسی، ناعادلانه باشد و هیچ کاری از دست قضات و وکلا در برابر بی‌عدالتی برنیاید، فایده‌ای ندارد؛ یا اگر علاقه‌ای به اصلاح قانون وجود نداشته باشد. بنابراین، جامعه حقوقی باید ضمن تلاش برای تقویت استقلال، برای ارتقای دسترسی به قانون، اصلاح قانون و قواعد آن و تعامل وکلا با مردم عادی و طرفین دعوی که در نهایت، قانون به آنها تعلق دارد، تلاش بیشتری انجام دهد.

## منابع

- پوراستاد، مجید. (۱۳۹۰). استقلال حرفه و کالت از دیدگاه استانداردهای جهانی. *مجله مدرسه حقوق*، (۶۳)، ۱۹۰ - ۱۸۷.
- <https://www.isfahanbar.org/news/1299>
- خندانی، وحید و عامری نیا، محمد باقر. (۱۳۹۷). استقلال قضایی در حقوق ایران و انگلیس. *تحقیقات حقوق بین‌المللی*، ۱۱(۴۱)، ۲۰۸ - ۱۹۱.
- [https://journals.iau.ir/article\\_544953.html](https://journals.iau.ir/article_544953.html)
- رشوند بوکانی، مهدی. (۱۳۸۸). *استقلال قاضی و قوه قضائیه در حقوق ایران آمریکا و فرانسه*. مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- سازمان ملل متحد، اداره مقابله با مواد مخدر و جرم. (۱۳۸۹). *شرح اصول رفتار قضایی (اصول بنگلور)*. ترجمه محمدعلی شاه حیدری و مجتبی همتی. انتشارات خرسندی.
- سلیمی، صادق. (۱۳۹۰). حاکمیت قانون و وکالت دادگستری. *مجله مدرسه حقوق*، شماره ۶۳، بیست مقاله از مجموعه مقالات نخستین اجلاس کنگره ملی وکلا، اصفهان، اردیبهشت ۱۳۹۰، ص ۱۵۷-۱۷۱.
- سلیمی، صادق. (۱۳۹۰). نقدی بر مقررات حاکم بر صلاحیت مبتی بر تابعیت در حقوق کیفری ایران. *تحقیقات حقوقی*، (۵۶)، ۶۴۴ - ۶۲۵.
- <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1181757>
- فتاحی، محمدرضا. (۱۳۹۱). معیارها و تضمین‌های استقلال وکیل در نظام بین‌المللی حقوق بشر. *مجله کانون وکلای دادگستری*، (۴۹)، ۹۹ - ۴۴.
- <https://lib.isfahan.ir/inventory/113/37858.htm>
- نیوبور، دیوید دبلیو. (۱۳۸۹). *نظام عدالت کیفری و ساختار محاکم در آمریکا (آیین دادرسی کیفری)*. ویرایش نهم ۲۰۰۸. ترجمه حمیدرضا قراگزلو. چاپ اول. انتشارات مجمع علمی و فرهنگی مجلد.
- Burger, W. (1972). Chief Justice. Address to the American Bar Association (San Francisco). *reported in Vital Speeches*.
- Bureau of Democracy, Human Rights and Labor (U.S Department of State). (2005). *Country Reports on Human Rights Practices – 2004*. <https://2009-2017.state.gov/j/drl/rls/hrrpt/2004/index.htm>
- International Commission of Jurists. (2002). *Attacks on Justice: the Harassment and Persecution of Judges and Lawyers*. 2002. <https://www.icj.org/resource/attacks-on-justice-the-harassment-and-persecution-of-judges-and-lawyers-2002/>
- Kirby, M. (2005). INDEPENDENCE OF THE LEGAL PROFESSION: GLOBAL AND REGIONAL CHALLENGES, LAW COUNCIL OF AUSTRALIA. *PRESIDENTS OF LAW ASSOCIATIONS IN ASIA CONFERENCE, GOLD COAST CONVENTION & EXHIBITION CENTRE, BROADBEACH, QUEENSLAND, AUSTRALIA*. <https://www.icj.org/wp-content/uploads/2012/04/independence-legal-profession-occasional-paper-2005.pdf>
- Michels, K. H. (2010). Lawyer Independence: From Ideal to Viable Legal Standard. *Case W. Res. L. Rev.*, 61(1), 85 - 97. <https://heinonline.org/HOL/LandingPage?handle=hein.journals/cwrlrv61&div=9&id=&page=>
- De Bertodano, S. (2002). Judicial independence in the international criminal court. *Leiden journal of international law*, 15(2), 409-430. doi:10.1017/S0922156502000201



[https://www.americanbar.org/groups/professional\\_responsibility/publications/model\\_rules\\_of\\_professional\\_conduct/rule\\_8\\_5\\_disciplinary\\_authority\\_choice\\_of\\_law](https://www.americanbar.org/groups/professional_responsibility/publications/model_rules_of_professional_conduct/rule_8_5_disciplinary_authority_choice_of_law)  
<https://www.icc-cpi.int/sites/default/files/Publications/Code-of-Professional-Conduct-for-counsel.pdf>  
[https://www.hcourt.gov.au/assets/publications/speeches/former-justices/kirbyj/kirbyj\\_20mar05.html#f01](https://www.hcourt.gov.au/assets/publications/speeches/former-justices/kirbyj/kirbyj_20mar05.html#f01)  
<https://www.icc-cpi.int/sites/default/files/RS-Eng.pdf>  
<https://www.lawsociety.bc.ca/our-initiatives/rule-of-law/lawyer-independence-and-self-regulation-of-law/>